

ایران



سخن‌روز

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم):

خدا با نعمت سرزندگی و کوشایی را به ما ارزانی دار و از سستی، تنبلی، ناتوانی، بهانه‌آوری، زبان، دل‌مردگی و ملال، محفوظمان دار.

(بخارا‌التوار (ط – بیروت)، ج ۹۱، ص ۱۲۵)



فضای مجازی



بی‌قرار و آشفته و بریده از عالم و آدم خودم را رساندم به شما، بعد صلاۀ ظهر جمعیت را شکافتم و دم سوار شدن به پیکان سفید یخچالی سلامت‌مان کردم، نشد درست صحبت کنیم، خودم را دوباره دم مغرب رساندم، آنقدر چک و چانه زده بودم که یک آقایی اجازه داد قبل نماز دقایقی راه باز کنم از زاننه طرف محراب و پشت به صفوف مردانه چند نفسی موی دلم را بند بزنم به ریسمان ایمان شما. گفتم، همه را ام پی تری، چند توصیه و یکی دو کلام مهربان از شما نصیبم شد و از فرداش نفس حق شما کار خودش را کرد… کن فیکون شد… حالا شما به من بگویید، شما که مناسبات این عالم مثل موم کف دست‌تان بود، شما که ما کلمه می شدیم و نمی شدیم برایتان فرقی نداشت و روزگار منتظر یک دعایتان بود تا یا از بیخ گلوی‌مان بردارد، شما بگویید ما آدم‌های همیشه نه چاه که نوبی زندگی‌مان، نه مدام که به لطف و کرم یکی مثل شما را چند صباحی دیده‌ایم و با نفس حشش، لحمه‌ای هوای بیرون چاه به سرمان خورده و دوباره سقوط کرده‌ایم حالا چه کنیم؟ چه کنیم با این تاریکی؟»



کربلایی است.»



کار اصلیش تغییر خودکار بک گراند صفحه بین چند هزار عکس دسته‌بندی شده به صورت موضوعی و…، تقویم شمسی روی ویندوز و… بود که شرکت رسانیک سال ۷۹ شروع به تولیدش کرده بود و تا جایی که یادمه با دلفی ۵ نوشته بودنش. امروز هم از وب آرشيو رفتم یه سر به سایت اون زمان شون زدم. اون موقع من برای یک پروژه اخبار و آپدیت بعضی برنامه‌ها و… سایت معدود شرکت‌هایی رو که سایت داشتن چک می‌کردم. (بقیه رو از کاتالوگ‌های نمایشگاه‌ها چک می‌کردم). به باز همون موقع‌ها به سایت رسانیک سر زده بودم، خبر زده بودن یکی از افراد اصلی تیم‌شون بر اثر تصادف فوت کرده بود. نسبت به زمان خودش خیلی کاربر داشته سایت شون. اون موقع با روزی ۸۰۰ تا تک تومان یا با تخفیف با ماهی ۱۲۰۰۰ تومان می‌شده توی سایت رسانیک تبلیغ کنی، توی صفحه تبلیغات سایتش آهنگ «واسه تونه واسه تونه» محمد اصفهانی بخش می‌شده: کاش به جا یه تاریخچه از این نرم‌افزارهای ایرانی قدیمی می‌شد جمع کرد.»



دروغگویی برای درآوردن پول بیشتر

المیرا شریفی مقدم، مجری تلویزیون در توئیترش با کلامی از رفتارهای زیاده‌خواهانه برخی نوشت: «دیروز امداد خودروی سیپار آمد و در تلاش برای اینکه قبول کنم ماشین رو بیره تعمیرگاه پیشنهادی خودش، ادعا کرد موتور ایرراد بزرگی پیدا کرده. قبول نکردم بیره. امروز در تعمیرگاه آشنا مشخص شد چند سوکت برقی از موتور باز کرده بود تا ماشین روشن نشه! اینا چطوری پول درمیانر؟!»

نابود کردن سایت هسته‌ای!»

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمد حسن روزی طلب
- سردبیر:** حسام الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عبوزی(سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- مصطفی وثوق کیا(فرهنگی)

- زرین رستمی وند(اجتماعی) « بنفشه غلامی (جهان لیدا فخری (اندیشه) « محمدرضا عزیزی(گزارش)
- زهرا کشوری(زیست‌بوم) « فرناز قلعه‌دار(حوادث)
- مهدی کلهرنژاد(اجرایی)
- حجت حکیمی (صفحهٔ‌آرایی)
- محسن جانی پور (ویراستاری) « ابوالفضل نسایی (عکس)

نقل قول



حجت‌الاسلام والمسلمین جعفر ناصری استاد اخلاق

طنز

ماجراهای خانم‌آقای او

نقل چشم و هم چشمی و ژست روشنفکری

همشیره جیران باجی، تازه از فرنگ مراجعت کرده حال و احوال علیحده‌ای دارد. ادا اصول و قرو غمزه و قیس و افاده به حد اعلا در کردار و سکناتش هویداست. جای نیات به ضرب و زور قاشق سرمی‌کشد لاکن و قوت غالبش قهوه و چای سبزو و این قسم زهرماری‌هاست لاکن از مچ دست تا آرنجش النگو سوار کرده دم به دقیقه جرینگ جرینگش کشیده می‌خواباند توی گوش آدم.

ربع مسکون به جهت ازدیاد پول باد آورده به تفنن گشته، زبان ملتفت‌شان نشده بالاچار برگشته‌اند مملکت خودشان بلکم اولادشان همین جا تعلم کرده چیزی بارشان شود. آخر هفته نشسته بودیم به گمت و شنود، سر حرف افتاد توی دهان همشیره جیران باجی و هرچه خواستیم زنجیر حرف و صدایش توأم ببریم نشد. افتاد روی دور پز و افاده و ژست روشنفکری که خلق الله به ضرب و زور درس و مکتب با سواد نشده و شعور بارشان نمی‌شود. فی الحال کسی به جهت مدارک و مدارج تحصیلی مشغول کسب و کار نشده، تجربه و قس و علی‌هذا، اهم و اجل از تحصیل و تعلم است.

گفتیم نقل شما متین، فی‌النباهه صبیان مکتب می‌روند، کجا مد نظرتان است؟ پرس و جو کردید؟ این طفل معصوم‌ها از غربت آمده‌اند، ملتفت زبان ما نمی‌شوند، صعب و تقیششان نشود… جفت یا جست حاق اوامر ما که؛ ما این همه آسمان ریسمان باقیمت که همین را بگوییم. اصلاً توجه به درس و مدرسه خلایقت سرکوب کرده، اضطراب و تنش عارض می‌شود. حاج و واج ماندم چه بگوییم. حکماً هرچه بگوییم آسیای حرفش بر همین منهای می‌چرخد… سلاکت شدیم!

یادمان به عروسی جیران باجی افتاد. اولاد همشیره جیران باجی نوزاد بودند. نشسته بود یک گوشه به ضرب و زور طفل معصوم توی کت و شلوار معذب فرو کرده پایون خفت خلشش می‌بست و به سودای تپ آلاگارسون، طفل معصوم تعب می‌داد. بماند که طفلک حساسی از خجالت والد‌دش در آمده حاق فردان البسه خدا‌تومی به نجاست کشیده بالاچار باقی مجلس البسه خواب تن کرد!

یک نوبه هم عزم کرده بود به جهت طفل یک ساله سور و ضیافت گرفته خاطره شود. یک نفر آورده بود در و دیوار به بادکتک و گل و بنه آدین کند، چند فقره تلخک هم آمده بودند میهمان‌ها بخندند، زهره ترک شده و البسه‌هاشان به گند کشیده شده بود! والا این دوره زمانه تلخک ترس دارد نه خنده!

القصه هر نوبه نقل چشم و هم چشمی و امور بی‌قاعده بود صف اول ایستاده گندش در می‌آورد لاکن تا حدیث درس و سواد و فرهنگ شد، ژست روشنفکری گرفت که روحیه اولاد مهم است… والله ما که بخیل نیستیم، هرچه کند به خود کند، لاکن ما دل نگرانیم فردا روزی این طفل معصوم‌ها می‌خواهند دوست و رفیق و همکار آقای پسر شوند. این بچه حاق دامن والد‌ه فهمیده و کس دانا با شعوری مثل ما مرد شده، با این در و همسایه نفهم نادان چه می‌کند؟

عکس نوشت

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نامبار: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۳۳ روابط عمومی: **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۲۸۸-۱۵۸۷۵-۱۵۸۷۴۸۸۰ **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه انزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۲(۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

هست باله سهل و آسان پیش دزد خانگی زحمت دزدی که از بام آمد و از در گذشت تازه گشت از فرقه قزاق در دوران ما آنچه از خیل غزان در دوره سنجر گذشت هیچ نگذشت از ستم برما ز چنگیز مغول کز رضاخان ستمکار ستم‌گستر گذشت **ملک الشعراى بهار**

یادداشت

چریک خستگی ناپذیر

نگاهی به کتاب «به کی می‌گن قهرمان؟» نوشته نرگس آبیار

سیدعلی اندرزگو در رمضان سال ۱۳۱۸ شمسی، در خیابان شوش تهران در یک خانواده متوسط متولد شد. با وجود سختی‌های معیشتی زندگی خانوادگی در همان دوره، به تحصیل پرداخت و علوم حوزوی را نیز فرا گرفت. در همان ایام نوجوانی با شهید نواب‌صفوی آشنا شد. همین آشنایی با منش و شخصیت این روحانی مبارز در ذهن و ضمیر سیدعلی اثری زرف گذاشت و نتیجه این تأثیر روحی، آشنایی با تشکیلات فدائیان اسلام و راه مبارزاتی آنها بود که در تعیین مشی مبارزاتی شهید اندرزگو نقش جدی داشت.

شهید اندرزگو فعالیت‌های مبارزاتی خود علیه رژیم را از همان نوجوانی آغاز کرد و ظاهراً در ترور حسنعلی منصور هم نقش داشته است. با دستگیری همه همراهان نواب، اندرزگو زندگی مخفی خود را آغاز کرد و سپس به عراق رفت. این زندگی مخفیانه به مدت ۱۵ سال ادامه داشت. در سال ۱۳۴۵ «اندرزگو» با گذرنامه جعلی به ایران بازگشت و دوباره راهی قم شد. در قم او همچنان فعالیت‌های انقلابی‌اش را از پخش اعلامیه گرفته تا تهیه اسلحه برای مبارزان را سرگرفت. اما این‌بار هم ساواک از وجود او باخبر شد و در پی دستگیری‌اش برآمد. سپس در سال ۱۳۴۹ راهی تهران شد و با چهره و ظاهری دیگر در مدرسه علمیه «چیدر» به تحصیل مشغول شد.

سرانجام پس از سال‌ها مبارزه با رژیم، در دوم شهریور

ماه سال ۱۳۵۷ در کمین نیروهای ساواک گرفتار شده و به شهادت رسید.

نرگس آبیار در کتاب «به کی می‌گن قهرمان؟» که توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده، با تلفیق یک داستان پرکشش با نثری روان که مناسب مخاطب نوجوان است، زندگی شهید اندرزگو را روایت کرده است. آبیار در این داستان کوتاه و خوش خوان، امیرآقای چاقی را راوی قصه کرده است. راوی داستان، نوجوانی شکمو است که پدر و مادرش می‌خواهند او را از خوردن غذاهای چرب و ناسالم منع کنند. آنها حتی برای آنکه فرزند نوجوانشان از بوفه مدرسه خرید نکند، به فروشنده مدرسه می‌گویند که به پسرشان چیزی نفروشد، اما او تلاشی می‌کند

با شیرین‌کاری‌های مختلف از جمله استفاده از عینک پدربزرگ و کلاه پشمی او، فروشنده بوفه را به اشتباه اندازد! داستان اصلی که روایت زندگی قهرمان این داستان یعنی سیدعلی اندرزگو است، می‌برد. خواننده رسماً از فصل ششم کتاب وارد قصه اصلی و آشنایی با زندگی اندرزگو می‌شود. تمهید نویسنده بازمایی و باژگویی مستندات زندگی شهید از زبان پدربزرگ امیراست که با لحنی گرم و صمیمی و متناسب با سن نوجوان نوشته شده است. در این داستان شهید اندرزگو دوست پدربزرگ است و به زرمنده‌ای که مवाद منفجره و سلاح را در لباس یا چمدان خود پنهان می‌کند و آن را شهر به شهر به مبارزان و انقلابیون می‌رساند، شهرت دارد.

ترفند آبیار برای اتصال قصه زندگی اندرزگو و امیر شکمو این است که پدربزرگ با شیرین‌کاری‌های نوه‌اش برای دستیابی به خوراکی‌ها، یاد اندرزگو می‌افتد و خاطرات او را برای نوه خود و دوستش، ممل تعریف می‌کند. نکته مثبت داستان سراسر مبارزه و فرازونشیب شهید اندرزگو با نثری صمیمی برای مخاطب روایت شده است، یعنی نه نثر فدای محتوا شده و نه به بهانه مخاطب نوجوان، بخشی از زندگی شهید ناگفته باقی مانده است.



آزاده جهان‌احمدی منتقد ادبی



درنگ

فقدان دانشمندی

میان رشته‌ای و متمایز



صفورا رستمی‌نژاد روزنامه نگار

زنده‌یاد کوروش صفوی، زبان‌شناس، مؤلف، نظریه‌پرداز، استاد دانشگاه و مترجم، از چهره‌های شاخص چندوجهی بود که اواخر ماه گذشته پس از چند سال تحمل رنج بیماری سرطان درگذشت. مرگ زودهنگام این دانشمند میان رشته‌ای و خلاق، بی‌گمان واقعه‌ای بسی تلخ و حسرت‌بار برای زبان‌شناسی، زبان فارسی، فلسفه، منطق و ادبیات است هرچند که کارنامه‌اش، چه از لحاظ کمیت و چه کیفیت بسی پربارتر

از عمر به نسبت کوتاهش است. نکته جالب توجه در زندگی این زبان‌شناس برجسته، این است که صفوی بنا به گفته خودش تا زمان اخذ دیپلم در آلمان و اتریش زیسته و تحصیلات متوسطه‌اش را نیز در آنجا به پایان رسانده است ولی بعد از بازگشت به ایران تأکید داشته که فارسی‌ام خوب نبود و اصلاً فارسی بلد نبودم! به زعم نگارنده، همین خلأ زبانی، نقطه عزیمتی می‌شود که صفوی تبدیل به یکی از سرآمدان علم زبان‌شناسی و ترجمه، بلکه زبان فارسی هم بشود و مسأله زبان، ملکه و چالش ذهنی‌اش می‌شود. ناگفته نماند، این اتفاق نه تنها برای صفوی بلکه برای افراد دیگری نیز افتاده است و گویا این یک مکانیسم روانی جبران برای ترمیم خلأ زبانی رسد یافته است.

سیر تحصیلی دکتر صفوی نیز، بسیار پرفرازونشیب بوده که در این مختصر نمی‌گنجد اما گذاردن چنین سیری خبر از استعداد شگرف و ذاتی این آدم می‌دهد و اگر غیر از این بود، گذاردن چنین سیری و از رشته‌ای به رشته‌ای دیگر رفتن‌ها، آن هم نه از سراستعمال بلکه برای به نقطه کمال رسیدن و ضرورت ایجاد پیوند و کشف ارتباط‌های میان دانش‌های مختلف برایش ممکن نبود. سیری که به نظر می‌رسد شرایط کاری پدر و مادرش بر او تحمیل کرده است اما صفوی در آن خوش درخشیده و شخصیت متمایزی، هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ ذوقی و عاطفی شده است. چندجنبه‌ای بودن صفوی از دیگر نکاتی است که در خصوص ایشان می‌توان برشمرد. مترجمی، معلمی، و مؤلفی و همین‌طور فیلسوف بودن و دانشمندی در علم منطق از جمله جنبه‌های شخصیت علمی ایشان هستند. همین مسأله از او یک شخصیت علمی و درجه یک بینارشته‌ای ساخته، تا جایی که حلقه وصل زبان‌شناسی و ادبیات و فلسفه و منطق می‌شود و آثار خلاقه و سرشار از ایده و تئوری در این زمینه پدید می‌آورد که از آنها به عنوان منابع و مرجع استفاده می‌برند. صفوی سبب روی آوردن شاگردانش به بینارشته‌ای شدن و پیوند حوزه‌های مختلف به هم نیز شده است و در این راستا، هم جریان‌ساز بوده و هم آثار بسیار قابل توجهی خلق کرده است. دکتر صفوی بنا به روایت‌های دوستان و همکارانش، انسانی کم نظیر از لحاظ منش و خلق و خوی فردی هم بوده است. این وجوه شخصی شامل تمایزهای اخلاقی و شخصیتی در وجود ایشان می‌شود که ازجمله می‌توان به خوش‌شربنی و طنز کم نظیر، صمیمیت و مهربانی و گشاده‌رویی، فروتنی و تساهل و مدارا با طیف‌های مختلف فکری، نظم و ترتیب مثال‌زدنی و بی‌حاشیه بودن اشاره کرد. یادش گرمی وراهش پررهور باد!



عکس:ایرنا